

بیانات در دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و پرورش - 25 دی/ 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

من باید از برادران عزیز که بار سنگینی را در سرتاسر کشور بر دوش دارند، تشکر کنم. خدمتگزاران کم‌مدعا و کم‌توقع و پُرکار نظام جمهوری اسلامی، شما فرهنگیان عزیز هستید؛ چه شما برادرانی که در کارهای اداری و مدیریتی مشغول کارید، و چه کسانی که در بخشهای آموزشی و تعلیم و تربیت بچه‌ها مباشرةً مشغول تلاش هستند. همه واقعاً بار سنگین و مسؤولیت بزرگی را، دانسته و آگاهانه بر دوش گرفته‌اید و با این مشکلاتی هم که هست - که آقای دکتر نجفی (1) اجمالاً اشاره کردند - این راه دشوار را دارید می‌پیمایید؛ بحمدالله خوب هم می‌پیمایید.

چیزی که درباره‌ی اهمیت آموزش و پرورش بنده عرض بکنم و شما ندانید، وجود ندارد. حقیقت مسأله همین چیزی است که همه‌ی ما می‌دانیم؛ یعنی آینده‌ی کشور در دستهای شماست؛ در دستهای آموزش و پرورش و معلمان کشور است. بهترین نسلها، آماده‌ترین آنها برای تعلم و تربی به تربیت اسلامی، در اختیار شما هستند.

انقلاب يك حادثه است که در نقطه‌یی از عالم اتفاق می‌افتد و آثار معجزه‌آسایی هم نشان می‌دهد. بقا و استمرار و برکات این حادثه، مستقیماً و تحقیقاً با تربیت انسانها ارتباط پیدا می‌کند. اگر انسانهای صالح و عالمی باشند که پیام انقلاب را درک کنند و آن را حفظ کنند و به آن عمل نمایند و آن راه و آن جهت را پی‌بگیرند، انقلاب زنده و مانده است و برکات آن خواهد رسید. اگر خدای نکرده در محیطی که انقلابی به وقوع می‌پیوندد، انسانها به شکل صحیحی تربیت نشوند، اصول تربیت قلع و قمع بشود، به آن ریزه‌کاریهای تربیتی اسلامی در محیط اسلامی پرداخته نشود، و خلاصه، انسانهایی که هم آگاه باشند، هم دلسوز باشند، هم احساس مسؤولیت کنند، هم کاردان باشند، هم خوش‌روحیه باشند، پروانده نشوند، مطمئناً آن اساس اولی هم به خطر خواهد افتاد و ضایع خواهد شد.

هرچه شما در دنیا مشاهده می‌فرمایید که آثار تلاشهای بشر در برهه‌یی خودش را نشان داده و جوشیده، اما بعدها کمرنگ شده، یا زایل شده، یا به عکس تبدیل شده، یا جهتها عوض شده، ناشی از کمبود آگاهی و فکر و اراده و روشن‌بینی و روحیه است؛ یعنی صفات اساسی در يك انسان تربیت شده. ما باید این انسان را تربیت کنیم و این صفات را در او بدمیم؛ و این در دست شماست؛ یعنی پایه‌ی اول را شما می‌گذارید؛ بخصوص در سنین نوجوانی و آغاز جوانی که جوانان در اختیار آموزش و پرورش هستند.

به اعتقاد من، آن چیزی که امروز بیش از همه باید در آموزش و پرورش ما به آن توجه بشود، اعتقاد اسلامی و عمل اسلامی است که در دانش‌آموزان باید احیاء گردد. باید این طور باشد که اگر کودکی از يك خانواده‌ی بی‌اعتقاد و بی‌مبالات نسبت به عمل و اعتقاد اسلامی به مدرسه می‌آید و وارد محیط تحت تصرف و تسلط آموزش و پرورش می‌شود؛ یا کودکی از خانواده‌یی می‌آید که آنها اعتقاد و مبالاتشان هم نسبت به افکار و عمل اسلامی بد نیست، لیکن به خاطر بی‌سوادی و کمبودهای فکری و روانی والدین، توانایی اثرگذاری روی طفل را ندارند، باید این‌جا آن خلأها جبران بشود؛ یعنی این کودک، هم علماً، هم عملاً، هم اعتقاداً، به يك آدم متدین تبدیل شود؛ باید همت این باشد.

البته همه‌ی ما توجه داریم که يك انسان اسلامی، فقط آن انسانی هم نیست که اعتقاد اسلامی داشته باشد و عمل اسلامی بکند، بلکه اخلاق اسلامی هم آن رکن اساسی است؛ والا اگر انسانی را دارای عقاید محکم اسلامی و عمل

به معنای نماز و روزه و این چیزها فرض کنیم، لیکن حسود، بخیل، جبان، بدخواه، بی‌روحیه و بی‌اراده باشد، این انسان، انسان مسلمان نیست. انسان مسلمان بایستی در هر سه بعد - هم بعد تربیت، هم بعد دانش، هم بعد عمل - کار کند. البته به یک اعتبار، هر سه‌ی اینها عمل است؛ اعتقاد هم نوعی عمل است؛ عمل قلبی است. علی‌ای‌حال، مقصود روشن است.

در مدارس، همت باید بر این باشد که بچه‌های ما از لحاظ دینی - هم در قلمرو اعتقاد، هم در قلمرو تربیت و اخلاق، هم در قلمرو تعبد عملی - انسانهای مسلمان بار بیایند؛ این، علاج و اساس کار ماست. البته روحیه‌ی دانش‌دوستی، جزو تربیتهای اسلامی است؛ یعنی اگر ما بخواهیم اخلاق اسلامی را گسترش بدهیم، این هم در آن هست. پیشرفت مراتب علم هم جزو اساس کار شماست که بایستی به آن توجه بشود. تقسیم علوم و پیدا کردن اولویتهای و این که امروز در این مقطع، در این پنج سال، در این ده سال بایستی خیل دانش‌آموزان به چه علومی بیشتر گرایش و توجه داده بشوند، اینها مسائل کاری و فنی شماست که به آن واقفتر هستید. این علاج کار ماست؛ یعنی بایستی با وجدان اسلامی، بچه‌ها تربیت بشوند؛ و این امروز واضح است.

این که از «تهاجم فرهنگی» اسم آوردند و گفتند شما در خط مقدم این تهاجم هستید، این حق است و بنده این را قبول دارم؛ چون تهاجم فرهنگی، به مقصود بی‌اعتقاد کردن نسل نو انجام می‌گیرد؛ هم بی‌اعتقاد کردن به دین، هم بی‌اعتقاد کردن به اصول انقلابی و آن تفکر فعالی که امروز استکبار از آن می‌ترسد و قلمرو قدرتهای استکباری را به خطر می‌اندازد.

مشاهده می‌کنید که امروز در الجزایر (2) و در مناطق اسلامی، چه صف‌بندی واضح و خشن و خصمانه‌ی در مقابل اسلام هست؛ اینها برای ما عبرت‌انگیز است. ما در درون مجموعه‌ی انقلاب اسلامی، ای بسا بعضی از اموری را که کلیت دارد و ناظر به مسائل اسلامی است، بدرستی لمس نکنیم؛ اما از دور که یک منطقه‌ی دیگر را نگاه می‌کنیم، بعضی از مسائل به شکل کلی برای ما خیلی واضح و روشن می‌شود.

ببینید امروز استکبار و آن فرهنگ مهاجم و ویرانگر، برای کشورهای اسلامی چه می‌کند و چگونه دارد صف‌آرایی می‌کند. در همه‌ی کشورهای اسلامی، مردم اسلام را می‌خواهند؛ این حقیقت مخصوص یک کشور خاص نیست؛ به هر کشور اسلامی شما نزدیک بشوید، خواهید دید همین‌طور است. ما با ملتها آشنا هستیم؛ می‌دانیم که ملتها به اسلام گرایش دارند؛ یعنی اکثریت عظیمی از ملتها، شوق به اسلام و شوق به زندگی اسلامی در درونشان هست؛ منتها مجال پیدا نکرده‌اند که بیان کنند، یا فرصتی برایشان فراهم نشده است. بالاخره هر جایی اقتضایی دارد، و مسلم هم یک روز این مجال پیدا خواهد شد.

هر جایی که اسلام بروز می‌کند و مردم ابراز می‌کنند که به اسلام علاقه‌مندند، می‌بینید که چگونه صف‌آرایی شدیدی علیه آنها به وجود می‌آید. البته ما معتقدیم که مردم الجزایر بالاخره به اسلام دست خواهند یافت و مطلوب خودشان را - که حاکمیت اسلام است - به دست خواهند آورد و این توطئه‌هایی که الان در آن جا هست و مستقیماً زیر نظر استکبار و با هدایت استکبار - بخصوص امریکا - است، خنثی خواهد شد. اینها قادر نیستند در مقابل اراده‌ی یک ملت، مدت زمان زیادی مقاومت کنند؛ یک چند روزی بالاخره جوله‌یی (3) می‌کنند، اما این جولان نمی‌تواند در مقابل اراده و خواست قلبی مردم ماندگار باشد؛ به شرطی که مردم ان‌شاءالله مقاومت کنند، و خواهند کرد.

این حادثه، برای ما تجربه و عبرتی است؛ «ان فی ذلك لعبرة». (4) وقتی در مقابل یک حرکت حاکمی از میل، که هنوز هیچ‌گونه اثر خارجی بر آن مترتب نشده، اما چون آینده برایشان مشهود است، این چنین صف‌آرایی و خصومت

می‌کنند، شما ببینید با يك اسلام تبلور یافته در يك کشور - که همان نظام جمهوری اسلامی است - چه قدر اینها از اعماق وجود دشمنند، و چه قدر آماده هستند که برای نابود کردن آن، از انواع طرق استفاده کنند. از اول انقلاب تا حالا، ما درگیر این قضیه بوده‌ایم؛ الان هم در همه‌ی زمینه‌ها - اعم از زمینه‌ی اقتصادی، یا زمینه‌ی فرهنگی، یا زمینه‌ی سیاسی - عملاً درگیر هستیم. همه‌جا باید خودمان را تجهیز کنیم، و این تجهیز، یکی از مهمترین تدابیرش همین است که ما جوانان و نوجوانان و کودکان این مرز و بوم را اسلامی بار بیاوریم.

من خیال می‌کنم سرلوحه و محور برنامه‌های آموزش و پرورش در تنظیم کتاب، در تربیت معلم، در نظارت بر کار بخشهای مختلف آموزش و پرورش، در نظارت بر کار آموزش‌دهندگان و داخل مدارس باید بر این باشد که ببیند آیا تفکر اسلامی منتقل می‌شود، یا نه؛ انسان سازی بر مبنای اسلام و مسلمان‌سازی کودکان در این مدارس انجام می‌گیرد، یا انجام نمی‌گیرد. هرچه ما در این جهت کمبود داریم، بایستی همت کنیم و آن کمبود را برطرف نماییم.

البته در کشور ما، آموزش و پرورش يك بنای قدیمی است؛ لیکن نه با هندسه‌ی صحیحی از آغاز کار. در این‌جا اول کار، آموزش و پرورش را مثل اغلب بناهای فرهنگی، بر مبنای صحیحی نگذاشتند؛ شما دارید مجاهدت می‌کنید که این مبنای صحیح را به وجود بیاورید؛ بنابراین مشکلات زیادی دارد؛ این مشکلات را تحمل نکنید و آن را به حساب جهاد در راه خدا بگذارید. این را، هم شما توجه داشته باشید که عملتان جهادی است، و هم معلمان سراسر کشور - هر جا هستند - بایستی به این نکته توجه داشته باشند. کار شما واقعاً يك عمل جهادی و يك مجاهدت در راه خداست؛ سختی‌هایی هم دارد، که باید آنها را تحمل کنید؛ هر چند که دولت هم در کار و در محاسبه‌ی خود بایستی سعی در کم کردن مشکلات شما داشته باشد.

در خصوص انتخابات (5) هم من فقط يك جمله عرض می‌کنم. همه‌ی دستگاهها موظفند به سهم خود برای صحیح انجام شدن انتخابات تلاش کنند. انتخابات صحیح هم معلوم است چگونه انتخاباتی است. يك وقت عرض کردیم که انتخابات غلط و بد، فقط آن انتخاباتی نیست که آرای عوضی و تقلبی در صندوقها بریزند؛ پیداست که در نظام جمهوری اسلامی، با نظارت‌هایی که هست، چنین چیزی علی‌القاعده امکانپذیر نیست، یا به آسانی امکانپذیر نیست. صحت انتخابات این است که انتخابات حقیقتاً مُعرب (6) و خبردهنده‌ی آرای قلبی و تشخیص مردم باشد و حقیقتاً کوشش بشود که آگاهی به حدی برسد که این تشخیص، تشخیص صحیحی باشد.

ممکن است در دوران انتخابات، گوشه و کنار برای منحرف کردن افکار و آراء، و برای بد جلوه دادن حقایق، و برای کشاندن انتخابات در مجراهای رایج بین غربیها - که با پول و با تبلیغات پولی و با خریدن افراد ضعیف‌النفوس و امثال اینها، رأیی را برای کسی، برای جناحی، برای گروه و حزبی درست می‌کنند؛ که این در خیلی از کشورهای دنیا معمول است - کارهای تبلیغاتی و بعضی وسوسه‌ها انجام بگیرد؛ اینها نباید باشد؛ یعنی مردم واقعاً آگاهانه فکر کنند، انتخاب کنند و انتخاب خودشان را اعلام نمایند؛ این می‌شود آن شکل صحیح اسلامی که هر کسی آگاهانه به نحوی با نظام اسلامی بیعت می‌کند. وقتی که انتخابات به شکل صحیحی انجام بگیرد، حقیقتاً بیعت مجددی است که آن شخص دارد انجام می‌دهد؛ و این چیز بسیار مهم و خوبی است. آموزش و پرورش هم در آن حدی که به عهده‌ی اوست؛ چه رسماً، چه من غیر رسماً - چون آموزش و پرورش به خاطر حضورش در بین قشرهای مردم، در بین جوانان، در میان خانواده‌ها، می‌تواند نقشی بیش از آنچه که رسماً معین شده، داشته باشد - ان‌شاءالله کوشش کند که این کار به بهترین وجهی انجام بگیرد.

این نکته هم الان به خاطر آمد، که در گزارش شما (7) هم به آن اشاره‌ی نشده بود. واقعاً از جمله‌ی کارهای بسیار خوب، همین قضیه‌ی مدارس فنی و حرفه‌یی است که باید دنبال بشود؛ بچه‌ها واقعاً بیایند و زودتر وارد بازار

کار بشوند و دنبال آن روش تحمیل شده‌ی دروغین مدرک‌گرایی نباشند ؛ این هم یکی از آن چیزهای مهم است.

من يك بار ديگر از همه‌ی شما آقایان و برادران عزیز تشکر می‌کنم ؛ واقعاً می‌دانم که زحمت می‌کشید و تلاش می‌کنید. امروز آموزش و پرورش و کتاب درسی و کلاس و معلم، واقعاً با گذشته طرف نسبت نیست.

ان شاءالله که همه‌ی شما آقایان موفق و مؤید باشید. خداوند شماها را تأیید و کمک کند ؛ ما هم دعا می‌کنیم که ان شاءالله خداوند روزبه‌روز بر توفیقات شما بیفزاید.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

-
- 1) وزیر وقت آموزش و پرورش
 - 2) ر. ک: پاورقی 1 - بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر (08/04/1370)
 - 3) گشت‌زدن
 - 4) آل عمران: 13
 - 5) انتخابات چهارمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی
 - 6) آشکار کننده
 - 7) دکتر نجفی